

ORIGINAL ARTICLE

The Role of Attachment Style of Working Mothers in Social Performance and Adjustment of Children in School

Sanaz Kamali ¹, Amir Abdolhoseini ^{2*} 

1. MA. psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran
2. Assistant Professor of Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence:

Amir Abdolhoseini

Email: amir.abdolhoseini@pnu.ac.ir

Receive Date: 22/Oct/2025

Revise Date: 03/Nov/2025

Accept Date: 23/Nov/2025

Publish Date: 22/Dec/2025

How to cite:

Kamali, S & Abdolhosseini, A. (2025). Attachment Style of Working Mothers and Social Performance and Adjustment of Children in School, *Education and Exploration in Learning, Behavior and Cognition*, 1 (1), 43-52. (<https://doi.org/10.30473/elc.2026.77161.1000>)

ABSTRACT


This study was purposed to investigate the role of the attachment style of working mothers in social performance and adjustment of children in school. For this purpose, a descriptive-correlational study was conducted. The statistical population of the present study included all second-grade elementary school students in Tehran in the academic year 2025. The sample size in this study was 150 people. The cluster random sampling method was used to select the samples. First, one of the districts of Tehran was selected, and 15 people were randomly selected from each school. Participants were assessed with attachment style, social performance, and adjustment questionnaires. The findings were analyzed using Pearson correlation and stepwise regression statistical methods. The results showed that secure and insecure attachment styles together significantly predict 31 percent of children's adjustment. Attachment styles were also able to explain 56 percent of children's social functioning significantly. There was a positive and significant relationship between adjustment and social functioning with secure attachment style, and the relationship between adjustment and social functioning with anxious and avoidant attachment styles was negative and significant. Therefore, it can be concluded that an increase in insecure attachment among employed mothers is associated with a decrease in their children's social adjustment and functioning. Conversely, higher levels of secure attachment in employed mothers are associated with higher levels of social adjustment and functioning in their children.

KEYWORDS

Attachment Style, Adjustment, Social Functioning, School.



بررسی نقش سبک دلبستگی مادران شاغل در سازگاری و عملکرد اجتماعی کودکان در مدرسه

ساناز کمالی^۱، امیر عبدالحسینی^{۲*} 

۱. کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه پیام‌نور تهران، ایران
۲. استادیار گروه علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

*نویسنده مسئول:

امیر عبدالحسینی

رایانامه: amir.abdolhoseini@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

استناد به این مقاله:

کمالی، ساناز و عبدالحسینی، امیر. (۱۴۰۴). بررسی نقش سبک دلبستگی مادران شاغل در سازگاری و عملکرد اجتماعی کودکان در مدرسه، فصلنامه آموزش و کاوش در یادگیری، رفتار و شناخت، ۱ (۱)، ۴۳-۵۲.

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی نقش سبک دلبستگی مادران شاغل در عملکرد اجتماعی و سازگاری کودکان در مدرسه صورت گرفت. بدین منظور یک مطالعه توصیفی-همبستگی اجرا گردید. جامعه آماری مطالعه حاضر شامل تمام دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی در شهر تهران منطقه‌ی ده در سال تحصیلی ۱۴۰۴ بود. حجم نمونه در این مطالعه تعداد ۱۵۰ نفر در نظر گرفته شد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. ابتدا یکی از مناطق تهران انتخاب و از هر مدرسه تعداد ۱۵ نفر به روش تصادفی انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان با پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی، عملکرد اجتماعی و سازگاری ارزیابی شدند. یافته‌ها با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام تحلیل شد. نتایج به‌دست آمده نشان داد که سبک‌های دلبستگی ایمن و ناایمن روی هم‌رفته ۳۱ درصد از سازگاری کودکان را به‌طور معناداری پیش‌بینی می‌کنند. همچنین سبک‌های دلبستگی توانستند ۵۶ درصد از عملکرد اجتماعی کودکان را به‌طور معناداری تبیین نمایند. بین سازگاری و عملکرد اجتماعی با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت و معنادار بود و رابطه‌ی بین سازگاری و عملکرد اجتماعی با سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی منفی و معنادار بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با افزایش دلبستگی ناایمن سازگاری و عملکرد اجتماعی فرزندان مادران شاغل کاهش پیدا می‌کند. در حالی که با افزایش دلبستگی ایمن میزان سازگاری و عملکرد اجتماعی بیشتر می‌شود.

واژه‌های کلیدی

سبک دلبستگی، سازگاری، عملکرد اجتماعی، مدرسه.

مقدمه

شده‌است، بلکه تأثیرات عمده‌ای بر روابط مادر و کودک و به‌طور کلی بر رشد اجتماعی و روان‌شناختی کودک نیز داشته است. در این میان، سبک دلبستگی مادر که به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم در تعاملات مادر و کودک شناخته می‌شود، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر عملکرد اجتماعی کودک و سازگاری او در محیط مدرسه و سایر فضاهای اجتماعی داشته‌باشد (فروش و همکاران، ۱۳۹۹).

تحقیقات نشان می‌دهند که کودکان مادران شاغل ممکن است با مشکلاتی نظیر اضطراب، کاهش اعتماد به نفس و چالش‌های اجتماعی مواجه شوند که بر توانایی کودکان آن‌ها در سازگاری با محیط مدرسه تأثیر می‌گذارد (صوفی و بهزاد پور، ۱۳۹۹). از جمله عواملی که تأثیر مستقیمی بر سلامت روان فرزندان دارد سبک دلبستگی است. سبک دلبستگی مادر یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد عاطفی، شناختی و اجتماعی کودک است که می‌تواند نقش مهمی در چگونگی تعامل کودک با محیط اجتماعی، به‌ویژه در مدرسه، ایفا کند (سلطانپور و همکاران، ۱۴۰۳). دلبستگی به پیوند عاطفی عمیقی اشاره دارد که بین کودک و مراقب اصلی (اغلب مادر) شکل می‌گیرد و پایه و اساس نحوه ارتباط کودک با دیگران را در آینده تعیین می‌کند. سبک دلبستگی مادر می‌تواند تأثیر مستقیمی بر سازگاری اجتماعی کودک در مدرسه داشته‌باشد، زیرا الگوهای تعامل اولیه‌ای که کودک در خانه تجربه می‌کند، به تعاملات او با معلمان، همسالان و سایر افراد در محیط آموزشی تعمیم می‌یابد (لاکسونو^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). کودکانی که مادران آن‌ها دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، معمولاً احساس امنیت و حمایت عاطفی بیشتری دارند. این کودکان در مدرسه تعاملات اجتماعی مثبت‌تری دارند، به‌راحتی با همسالان دوست می‌شوند، در فعالیتهای گروهی مشارکت می‌کنند و کمتر دچار اضطراب جدایی یا مشکلات رفتاری می‌شوند. در حالی که مادرانی که سبک دلبستگی اضطرابی دارند، معمولاً رفتارهای متناقض و غیرقابل‌پیش‌بینی از خود نشان می‌دهند. کودکانی که مادرانشان سبک دلبستگی اجتنابی دارند، معمولاً یاد گرفته‌اند که به دیگران وابسته نباشند و احساسات خود را سرکوب کنند. این شکل از روابط میزان سازگاری کودک را در مدرسه تعیین می‌کند مطالعات قبلی بین سبک دلبستگی و سازگاری رابطه نشان می‌دهند (دینالت^۳ و همکاران، ۲۰۲۳).

در دنیای معاصر که تغییرات اجتماعی و ساختارهای خانوادگی به‌سرعت در حال تحول‌اند، بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر رشد و پرورش کودکان اهمیتی روزافزون یافته‌است (ایلرت و باچیم^۱، ۲۰۲۳). خانواده به‌عنوان یکی از ارکان اساسی و بنیادین جامعه، در حقیقت محیطی است که کودک در آن رشد و نمو می‌کند و با توجه به شرایط و ویژگی‌های آن، خود را برای تعاملات اجتماعی و پذیرش مسئولیت‌های فردی در جامعه آماده می‌سازد (هنری، ۱۴۰۱). این محیط نه‌تنها اولین جایی است که کودک در آن به یادگیری و ارتباط با افراد دیگر می‌پردازد، بلکه به‌نوعی پایه‌گذار رفتارهای اجتماعی و فرهنگی او نیز به‌شمار می‌آید. در این ساختار، مادران به‌عنوان یکی از ارکان اصلی و تأثیرگذار، نقش کلیدی و بی‌بدیلی در تربیت و رشد کودک ایفا می‌کنند. به‌ویژه در سال‌های اولیه زندگی که در این دوران، شخصیت و روان کودک به‌طور عمده شکل می‌گیرد و ارتباطات او با دیگران و محیط اطرافش پایه‌ریزی می‌شود (نبیلی احمدآبادی و همکاران، ۱۳۹۸). مادران به‌عنوان افرادی که مسئولیت‌های متعددی در خانواده به‌عهده دارند، در کنار ایفای نقش‌های سنتی خود، به‌ویژه در جوامع امروزی که بسیاری از آن‌ها در مسیر تغییرات اجتماعی و اقتصادی قرار دارند، ممکن است به‌عرصه اشتغال نیز وارد شوند. این تغییر نقش‌ها و مسئولیت‌ها می‌تواند چالش‌هایی جدی را در مسیر تربیت فرزند ایجاد کند و تأثیرات متفاوتی بر رشد روان‌شناختی و اجتماعی کودک بگذارد (رحمتی و همکاران، ۱۴۰۱).

در طول سالیان اخیر، مفهوم کار و شغل تغییرات چشمگیری را تجربه کرده است و روابط اجتماعی و خانوادگی انسان‌ها به‌شدت تحت تأثیر مسائل شغلی قرار گرفته است. به‌ویژه در مشاغلی که با استرس‌های روزمره و فشارهای کاری همراه هستند، حفظ توازن بین زندگی خانوادگی و شغلی به‌مراتب دشوارتر شده‌است و این موضوع به‌ویژه برای مادران شاغل به چالشی جدی تبدیل گشته‌است. در دهه‌های اخیر، تغییرات اجتماعی و فرهنگی در بسیاری از جوامع، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، موجب افزایش مشارکت زنان در بازار کار و اشتغال خارج از منزل شده‌است (جاهد و همکاران، ۱۳۹۹). این تحولات نه‌تنها موجب تغییر در ساختار خانوادگی و نقش‌های سنتی در خانواده‌ها

³ Deneault

¹ Eilert, D. W & Buchheim

² Laksono

کامل ارائه دادند بنابراین ۱۵۰ نفر حجم نمونه نهایی در نظر گرفته شد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. ابتدا یکی از مناطق تهران انتخاب شد با توجه به اینکه در این منطقه ۱۰ مدرسه ابتدایی دوره‌ی دوم دخترانه وجود دارد از هر مدرسه تعداد ۱۵ نفر به‌روش تصادفی انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل شاغل بودن مادر، جنسیت دختر، دانش‌آموز دوره دوم ابتدایی، عدم ابتلا به بیماری‌های جسمانی و روانی مزمن می‌شد. از پرسشنامه‌های زیر جهت ارزیابی شرکت‌کنندگان بهره برده شد.

ابزارها

پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان که در سال ۱۳۸۴ توسط بشارت طراحی شده‌است، مبتنی بر مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان هازن و شاور^۴ (۱۹۷۸) و نظریه دلبستگی تدوین شده‌است. این ابزار برای ارزیابی سبک‌های دلبستگی بزرگسالان در سه دسته ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن اضطرابی طراحی شده و شامل ۱۵ گویه است که به‌عنوان سه زیر مقیاس مستقل ایمن، اجتنابی و اضطرابی عمل می‌کنند. نحوه نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای صورت‌می‌گیرد که از «کاملاً موافق» (۵) تا «کاملاً مخالف» (۱) متغیر است. بررسی اعتبار درونی این پرسشنامه بر روی نمونه‌ای ۳۰۰ نفری نشان داده است که ضریب آلفا کرونباخ برای زیرمقیاس‌های دلبستگی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن اضطرابی-دوسوگرا به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۹۱ و ۰/۸۷ است. همچنین، پایایی بازآزمایی آن در یک دوره چهارهفته‌ای نشان داده که ضرایب پایایی برای این سه زیر مقیاس به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۸ و ۰/۷۵ بوده است. علاوه بر این، اعتبار محتوایی پرسشنامه از طریق بررسی ضرایب همبستگی توسط چهار متخصص روانشناسی تأیید شده‌است. همچنین، روابط همبستگی زیرمقیاس‌های این پرسشنامه با پرسشنامه مشکلات بین‌فردی (بشارت، ۲۰۱۱) نشان‌دهنده اعتبار مناسب این ابزار است.

پرسشنامه سازگاری کودکان دخنچی (۱۳۷۷) توسط اصغر دخنچی با هدف ارزیابی میزان سازگاری کودکان طراحی شده‌است. این ابزار شامل ۳۷ پرسش چهارگزینه‌ای است که گزینه‌های آن عبارت‌اند از: «هیچ‌وقت»، «به‌ندرت»، «گاهی اوقات» و «بیشتر اوقات». مادران باید گزینه‌ای را که بیشترین

بخش مهمی از سازگاری محیطی شامل عملکردی است که فرد در اجتماع از خود نشان‌می‌دهد. عملکرد اجتماعی کودک در مدرسه شامل توانایی برقراری ارتباط مؤثر با همسالان، مشارکت در فعالیت‌های گروهی، مدیریت تعارضات، رعایت قوانین اجتماعی و ایجاد روابط مثبت با معلمان و سایر اعضای مدرسه است (آدھیکاری^۱، ۲۰۲۲). یکی از عوامل مهمی که بر این عملکرد تأثیر می‌گذارد، سبک دلبستگی مادر است، زیرا الگوی ارتباطی که کودک از سنین اولیه با مادر خود تجربه می‌کند، مبنای تعاملات او در محیط‌های اجتماعی دیگر، از جمله مدرسه، خواهد شد (راجگریاه^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). طبق یافته‌های سلطانیپور و همکاران (۱۴۰۳) بین سبک دلبستگی با سازگاری ارتباط وجود دارد. یوسفی و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند سبک دل‌بستگی می‌تواند مشکلات رفتاری را پیش‌بینی کند. همچنین رحمتی و همکاران (۱۴۰۱) گزارش کرده‌اند که سبک دلبستگی می‌تواند از طریق تأثیر بر پرخاشگری میزان مشکلات در روابط اجتماعی را تحت‌تأثیر قرار دهد. بررسی مطالعات قبلی نشان‌می‌دهد رابطه بین اشتغال مادران و تأثیر آن بر سبک دلبستگی و عملکرد اجتماعی کودکان هنوز به‌طور کامل بررسی نشده است. به‌ویژه تأثیر این متغیرها بر سازگاری تحصیلی و اجتماعی کودکان در محیط مدرسه یک مسأله مهم است که نیاز به پژوهش‌های جامع‌تر دارد. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر سبک دلبستگی مادران شاغل بر عملکرد اجتماعی و سازگاری کودکان در مدرسه پرداخت.

روش

این تحقیق از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه‌ی مورد مطالعه در این تحقیق شامل تمام دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی در شهر تهران منطقه‌ی ده در سال تحصیلی ۱۴۰۴ می‌باشد (تعداد ۱۰ مدرسه). جهت تعیین حجم نمونه بر اساس روش سرانگشتی برای هر مؤلفه‌ی پیش‌بین حداقل ۱۵-۳۰ نفر باید مورد ارزیابی قرار بگیرند (استیونس^۳، ۲۰۱۲). پرسشنامه سبک دلبستگی ۳ مؤلفه، عملکرد اجتماعی ۴ مؤلفه و سازگاری یک مؤلفه دارد. اگر برای هر مؤلفه حداقل ۱۵ نفر در نظر بگیریم حداقل ۱۲۰ نفر می‌بایست انتخاب می‌شدند. در این مطالعه با توجه به مشکلات دسترسی به نمونه‌ها تعداد ۱۵۰ نفر در نهایت پرسشنامه‌های

³ Stevens

⁴ Hazan & Shaver

¹ Adhikari

² Rajgariah

تطابق را با رفتار فرزندشان دارد، انتخاب کنند. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت انجام می‌شود، به طوری که کمترین نمره ممکن ۰ و بیشترین ۱۱۱ است. امتیاز بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر سازگاری کودک است دخانچی این پرسشنامه را بر روی یک نمونه ۲۵۳ نفری از پسران ۷ ساله دبستانی اجرا کرد. بررسی اعتبار این آزمون با استفاده از روش دونیمه‌سازی، مقدار ۰/۷۹ را نشان داد. همچنین، روایی ملاکی آن با محاسبه همبستگی پیرسون بین دو تست، ۰/۸۱ گزارش شده است.

مقیاس عملکرد اجتماعی و انطباقی کودک و نوجوان (CASAFS) در سال ۲۰۰۲ توسط اسپنس^۱ و همکاران تدوین شد. این ابزار یک پرسشنامه خودگزارشی شامل ۲۴ عبارت است که عملکرد فرد را در چهار حوزه اصلی ارزیابی می‌کند: عملکرد تحصیلی، روابط با همسالان، روابط خانوادگی و وظایف خانگی / مراقبت از خود. هر زیر مقیاس شامل ۶ عبارت است. نمره کل این آزمون در بازه ۲۴ تا ۹۶ قرار دارد و نمره‌گذاری به صورت چهاردرجه‌ای از ۱ تا ۴ انجام می‌شود. نمرات بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر عملکرد اجتماعی هستند. پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب همسانی درونی و بازآزمایی بر روی نمونه‌ای متشکل از ۳۲۰ نوجوان مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب

آلفا کرونباخ برای این پرسشنامه بالای ۰/۷ بوده است. نتایج تحلیل عاملی نیز ساختار چهاربعدی عملکرد اجتماعی را که در زیرمقیاس‌ها عنوان شده است، تأیید کرده است.

برای تحلیل داده‌های این تحقیق از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد. ابتدا داده‌ها با استفاده از آزمون‌های توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار بررسی شد. سپس برای بررسی روابط بین سبک دلبستگی مادران و عملکرد اجتماعی و سازگاری کودکان، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. در ادامه، برای بررسی تأثیر سبک دلبستگی مادران بر عملکرد اجتماعی و سازگاری کودکان، از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد تا تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل (سبک‌های دلبستگی مادران) بر متغیر وابسته (عملکرد اجتماعی و سازگاری کودکان) بررسی گردد.

یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد بازه سنی شرکت‌کنندگان بین ۱۰ الی ۱۲ سال می‌باشد ۳۲.۷ درصد سن ده سال، ۵۱.۳ درصد سن ۱۱ سال و ۱۶ درصد سن ۱۲ سال داشتند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۱۲.۴۳ با انحراف معیار ۰.۶۷ به دست آمد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
دلبستگی اجتنابی	۱۲.۹۷	۳.۳۹	-۰.۲۵	-۰.۹۶
دلبستگی اضطرابی	۱۵.۹۳	۴.۱۲	۰.۱۰	-۰.۸۴
دلبستگی ایمن	۱۴.۴۲	۴.۸۵	۰.۰۵	۰.۱۰۷
سازگاری	۵۸.۳۱	۱۷.۷۸	۰.۳۳	-۰.۸۶
راندمان تحصیلی	۴.۲۶	-۰.۲۸	-۰.۸۸	
ارتباط با همسالان	۴.۴۴	-۰.۳۵	-۰.۹۸	
روابط خانوادگی	۴.۰۶	۰.۰۲	-۰.۸۷	
وظایف خانگی	۳.۵۸	۰.۱۴	-۰.۶۱	
نمره کل عملکرد اجتماعی	۱۴.۱۴	-۰.۳۵	-۰.۵۴	

¹ Spence

در جدول ۱ نتایج یافته‌های توصیفی متغیرها قابل مشاهده است. همچنین چولگی و کشیدگی داده‌ها در بازه‌ی مطلوب گزارش شده است. در این مطالعه ابتدا توزیع نرمال داده‌ها با استفاده از آزمون کولوگروف اسمیرنوف بررسی و تأیید شد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین متغیرها

متغیر	۱	۲	۳	۴
سبک دلبستگی اضطرابی				
سبک دلبستگی اجتنابی	*۰.۶۸			
سبک دلبستگی ایمن	*-۰.۶۸	*-۰.۵۳		
سازگاری	*-۰.۵۳	*-۰.۴۰	*۰.۴۸	
عملکرد اجتماعی	*-۰.۶۴	*-۰.۴۵	*۰.۷۲	*۰/۳۸

طبق یافته‌های به دست آمده در جدول ضرایب همبستگی، بین سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با سازگاری و عملکرد اجتماعی رابطه معنادار و منفی وجود دارد. رابطه بین سازگاری کودکان و عملکرد اجتماعی با سبک دلبستگی ایمن مثبت و معنادار بود. مفروضه استقلال خطاها با آزمون دوربین-واتسون^۱ مشخص و تأیید شد. از آنجا که آماره بین ۱.۵ تا ۲.۵ بود آزمون رگرسیون اجرا شد.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون

ملاک	R2	F	B	خطا	(β)	t
مقدار ثابت	۰.۳۱	۲۲.۷۶	۷۴.۴۹	۱۰.۹۸		*۶.۷۷
سبک دلبستگی اضطرابی			-۱.۵۳	۰.۴۷	-۰.۳۵	*-۳.۲۳
سبک دلبستگی اجتنابی			-۰.۵۵	۰.۲۹	-۰.۱۸	*-۱.۹۹
سبک دلبستگی ایمن			۰.۸۰	۰.۳۴	۰.۲۱	*۲.۳۱

با توجه به یافته‌های ارائه شده در جدول ضریب تبیین بین متغیرها بی پیشین و ملاک ۰.۳۱ بود که

نشان می‌دهد ۳۱ درصد از تغییرات سازگاری این کودکان بر اساس سه سبک دلبستگی ایمن و نایمن قابل پیش‌بینی است. ضریب اتا برای سبک دلبستگی

اضطرابی، اجتنابی و ایمن به ترتیب ۰.۳۵، ۰.۱۸- و ۰.۲۱ می‌باشد.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون

ملاک	R	R2	B	خطا	(β)	t
مقدار ثابت	۰.۷۵	۰.۵۶	۴۷.۱۰	۶.۹۴		*۶.۷۸
سبک دلبستگی اضطرابی			-۰.۹۷	۰.۳۰	-۰.۲۸	*-۳.۲۶
سبک دلبستگی اجتنابی			۰.۳۷	۰.۳۱	-۰.۳۰	*-۲.۴۰
سبک دلبستگی ایمن			۱.۵۹	۰.۲۱	۰.۵۴	*۷.۳۱

با توجه به یافته‌های ارائه شده در جدول ۴ ضریب تبیین بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک ۰.۵۶ بود که نشان می‌دهد ۵۶ درصد از تغییرات عملکرد اجتماعی این کودکان بر اساس سه سبک دلبستگی ایمن و نایمن قابل پیش‌بینی است. ضریب اتا برای سبک دلبستگی اضطرابی، اجتنابی و ایمن به ترتیب ۰.۲۸، ۰.۳۰- و ۰.۵۴ می‌باشد.

نتیجه‌گیری و بحث

این مطالعه با هدف بررسی تأثیر سبک دلبستگی مادران شاغل بر عملکرد اجتماعی و سازگاری کودکان در مدرسه صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد سبک‌های دلبستگی می‌توانند به صورت معناداری سازگاری دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند. این یافته‌ها با نتایج به دست آمده در مطالعه‌ی سلطانیپور و همکاران (۱۴۰۳)؛ یوسفی و همکاران (۱۴۰۳)؛ رحمتی و همکاران (۱۴۰۲) همسو بود. فانگ و همکاران (۲۰۲۳)؛ آگباریا و همکاران (۲۰۲۱) نقش دلبستگی را در روابط بین فردی تأیید کردند. در مطالعه‌ی بین و همکاران (۲۰۲۱) تأثیر مستقیم دلبستگی والدین و فرزند و تأثیر غیرمستقیم از طریق پیوند مدرسه بر سازگاری اجتماعی مشخص شد.

برای تبیین این فرضیه که «سبک‌های دلبستگی می‌توانند به صورت معناداری سازگاری دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند»، می‌توان از نظریه‌های روان‌شناختی به‌ویژه نظریه دلبستگی جان بالبی، نظریه‌های رشد روانی-اجتماعی و همچنین رویکردهای شناختی-رفتاری بهره گرفت. فرضیه فوق بر این پیش‌فرض استوار است که نوع رابطه‌ای که کودک در دوران اولیه زندگی با مراقبان اولیه (به‌ویژه والدین) تجربه می‌کند، پایه‌گذار الگوهای دلبستگی او خواهد بود و این الگوها تا حد زیادی تعیین‌کننده نحوه تعاملات اجتماعی، هیجانی و رفتاری او در سال‌های بعد، به‌ویژه در محیط مدرسه است.

بر اساس نظریه دلبستگی جان بالبی، تجربه‌های اولیه با مراقبان منجر به شکل‌گیری «مدل‌های عاملی درونی» می‌شوند؛ این مدل‌ها به فرد کمک می‌کنند تا برداشت‌هایی نسبت به خود، دیگران و روابط میان‌فردی شکل دهد. کودکان با سبک دلبستگی ایمن معمولاً دارای تصویر مثبتی از خود و دیگران هستند، اعتماد به نفس بیشتری دارند، راحت‌تر با موقعیت‌های جدید کنار می‌آیند و در نتیجه سازگاری تحصیلی، اجتماعی و هیجانی بالاتری نشان می‌دهند.

در مقابل، کودکانی با سبک‌های دلبستگی نایمن (اجتنابی یا دوسوگرا) ممکن است به دلیل تصویر منفی از خود یا دیگران، یا اضطراب نسبت به جدایی و طرد شدن، در تعامل با همسالان،

عملکرد اجتماعی مطلوب کودک در محیط مدرسه و اجتماع منجر می‌شود.

در مقابل، مادرانی با دلبستگی ناایمن (مثلاً اجتنابی یا اضطرابی)، ممکن است رفتاری غیرقابل پیش‌بینی، طردکننده، یا بیش از حد کنترل‌گر داشته‌باشند که به ایجاد ناامنی هیجانی در کودک می‌انجامد. کودکان این مادران ممکن است دچار مشکلاتی در ابراز هیجانات، اعتماد به دیگران و شکل‌دهی روابط اجتماعی سالم شوند که در نهایت به کاهش عملکرد اجتماعی آن‌ها منجر می‌شود.

سبک دلبستگی مادران، به‌ویژه در دوران کودکی و رشد اولیه، نقش بنیادینی در شکل‌گیری الگوهای تعامل اجتماعی کودکان ایفا می‌کند. مادرانی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، معمولاً روابط گرم، پاسخ‌گو و حمایت‌گری با فرزندان خود برقرار می‌کنند. این شیوه تربیتی به کودکان امکان می‌دهد که احساس امنیت کرده، مهارت‌های اجتماعی همچون همدلی، همکاری، تنظیم هیجان و اعتماد به دیگران را توسعه دهند. در خانواده‌هایی که مادران شاغل هستند، میزان زمانی که با فرزند سپری می‌شود ممکن است محدودتر باشد؛ اما اگر این مادران از سبک دلبستگی ایمن برخوردار باشند، حتی در تعاملات محدود نیز می‌توانند کیفیت رابطه را ارتقا داده و محیطی امن برای رشد عاطفی و اجتماعی کودک فراهم کنند. برعکس، سبک‌های دلبستگی ناایمن (مثل اجتنابی یا دوسوگرا) ممکن است منجر به تعاملات ناپایدار، ناهماهنگ یا کنترل‌گرایانه شوند و توانمندی اجتماعی کودک را در مواجهه با موقعیت‌های مدرسه‌ای کاهش دهند. در نتیجه، می‌توان گفت که سبک دلبستگی مادران شاغل، به‌واسطه تأثیر بر شیوه ارتباطی با کودک و انتقال الگوهای رفتاری، عملکرد اجتماعی کودک در مدرسه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

باید در نظر داشت این مطالعه با محدودیت‌هایی همراه بود اغلب مطالعات انجام‌شده در این زمینه از نوع همبستگی یا توصیفی هستند، نه تجربی یا شبه‌تجربی. در نتیجه، اگرچه می‌توان رابطه‌ای میان سبک دلبستگی مادر و رفتار کودک مشاهده کرد، اما نمی‌توان با قطعیت از علیت سخن گفت؛ یعنی مشخص نیست که آیا دلبستگی مادر باعث تغییر در رفتار کودک شده یا متغیر سومی در کار است. این مطالعه از نظر زمانی محدود بود و در بازه زمانی کوتاهی به‌صورت مقطعی صورت گرفت. در این

معلمان یا در رویارویی با چالش‌های آموزشی و اجتماعی دچار مشکل شوند. این امر می‌تواند منجر به کاهش سطح سازگاری آنان در زمینه‌های مختلف شود. از منظر نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون، دوران مدرسه با مرحله «کوشش در برابر احساس حقارت» مرتبط است. در این مرحله، موفقیت در ایجاد حس شایستگی و مهارت اجتماعی مستلزم وجود پایه‌های مستحکم اعتماد به نفس و احساس امنیت است که این موارد عموماً در سبک دلبستگی ایمن ایجاد می‌شود.

همچنین یافته‌ها نشان داد سبک‌های دلبستگی می‌توانند به‌صورت معناداری عملکرد اجتماعی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند. همسو با این یافته جان‌فدا و همکاران (۱۴۰۱) و واحدی و فتحی (۱۳۹۹)؛ آگباریا و همکاران (۲۰۲۱)؛ مو و همکاران (۲۰۲۱)؛ بین و همکاران (۲۰۲۱)؛ ژانگ و همکاران (۲۰۲۰) نیز نقش سبک‌های دلبستگی را در رفتارها و عملکرد اجتماعی تأیید کردند.

برای تبیین فرضیه «سبک‌های دلبستگی مادران می‌توانند به‌صورت معناداری عملکرد اجتماعی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند»، می‌توان از نظریه دلبستگی بالبی، دیدگاه‌های تعامل والد-کودک، نظریه انتقال میان‌نسلی دلبستگی و رویکردهای تحولی استفاده کرد. نظریه دلبستگی جان بالبی بر اهمیت رابطه هیجانی پایدار و ایمن بین کودک و مراقب اولیه (که معمولاً مادر است) تأکید دارد. این رابطه به‌عنوان الگویی برای روابط بعدی کودک در طول زندگی عمل می‌کند. سبک دلبستگی مادران که حاصل تجربه‌های اولیه خود آنان از دلبستگی است، بر نحوه تعامل آنان با کودک و پاسخ‌دهی به نیازهای هیجانی او تأثیرگذار است. این تعاملات در شکل‌گیری سبک دلبستگی کودک و در نتیجه در رشد مهارت‌های اجتماعی او نقش اساسی دارد.

بر اساس نظریه انتقال میان‌نسلی دلبستگی، مادران سبک دلبستگی خود را - چه ایمن، اجتنابی یا دوسوگرا - از طریق شیوه‌های فرزندپروری، به فرزندان خود منتقل می‌کنند. برای مثال، مادری با دلبستگی ایمن، بیشتر در دسترس هیجانی کودک است، به‌درستی به نیازهای او پاسخ می‌دهد و با پذیرش و حساسیت به او واکنش نشان می‌دهد. چنین کودکانی اغلب یاد می‌گیرند که به دیگران اعتماد کنند، هیجانات خود را تنظیم کنند و روابط سالمی با همسالان برقرار کنند. این عوامل مستقیماً به

داده‌ها از طریق اطلاع‌رسانی به نویسنده مسئول قابل دسترسی است.

تعارض منافع

این مطالعه هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد.

مشارکت‌های نویسندگان

نویسندگان به صورت مساوی در نوشتن مقاله مشارکت کرده‌اند.

تأمین مالی

این مطالعه تأمین مالی نشده است و با هزینه شخصی نویسنده صورت گرفته است.

شفافیت

این مطالعه تعارض منافع ندارد از نظر مالی تأمین مالی نشده است.

مطالعه بازه‌ی سنی محدودی از کودکان مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. در این مطالعه نقش مادران تنها ارزیابی گردید و امکان بررسی سایر اعضای خانواده فراهم نشد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به صورت طولی انجام شوند تا بتوان رابطه علی بین سبک دلبستگی (کودک یا مادر) و سازگاری یا عملکرد اجتماعی کودک را به دقت بررسی کرد. پیشنهاد می‌شود نقش متغیرهایی چون سبک‌های فرزندپروری، خلق‌و‌خو کودک، حمایت اجتماعی و سلامت روان والدین به عنوان واسطه یا تعدیل‌تر در رابطه بین دلبستگی و پیامدهای رفتاری کودک بررسی شود.

دسترسی به داده‌ها

References

- Agbaria, Q. Mahamid, F & Veronese, G. (2021). The association between attachment patterns and parenting styles with emotion regulation among Palestinian preschoolers. *Sage Open*, 11(1), 2158244021989624. DOI: [10.1177/2158244021989624](https://doi.org/10.1177/2158244021989624)
- Besharat, M. A. (2011). Development and validation of Adult Attachment Inventory. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 475-479. DOI: [10.1016/j.sbspro.2011.10.093](https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2011.10.093)
- Deneault, A. A. Duschinsky, R. Van IJzendoorn, M. H., Roisman, G. I., Ly, A., Fearon, R. P & Madigan, S. (2023). Does child-mother attachment predict and mediate language and cognitive outcomes? A series of meta-analyses. *Developmental Review*, 70, 101093. DOI: [10.1016/j.dr.2023.101093](https://doi.org/10.1016/j.dr.2023.101093)
- Eilert, D. W & Buchheim, A. (2023). Attachment-related differences in emotion regulation in adults: A systematic review on attachment representations. *Brain Sciences*, 13(6), 884. DOI: [10.3390/brainsci13060884](https://doi.org/10.3390/brainsci13060884)
- Fang, Y. Fan, C. Cui, J. Zhang, X & Zhou, T. (2023). Parental attachment and cyberbullying among college students: the mediating role of loneliness and the moderating role of interdependent self. *Current Psychology*, 42(34), 30102-30110. DOI: [10.1007/s12144-022-04058-8](https://doi.org/10.1007/s12144-022-04058-8)
- Hazan, C & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(3), 511-524. DOI: [10.1037/0022-3514.52.3.511](https://doi.org/10.1037/0022-3514.52.3.511)
- Laksono, A. D. Sukoco, N. E. W. Rachmawati, T & Wulandari, R. D. (2022). Factors related to stunting incidence in toddlers with working mothers in Indonesia. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(17), 10654. DOI: [10.3390/ijerph191710654](https://doi.org/10.3390/ijerph191710654)
- Mo, X., Wang, Z., & Shao, J. (2021). Parent-child attachment and good behavior habits among Chinese children: Chain mediation effect of parental involvement and psychological Suzhi. *Plos one*, 16(1), e0241586. DOI: [10.1371/journal.pone.0241586](https://doi.org/10.1371/journal.pone.0241586)
- Rajgariah, R., Chandrashekarappa, S. M. Babu, K. V. Gopi, A. Ramaiha, N. M. M & Kumar, J. (2021). Parenting stress and coping strategies adopted among working and non-working mothers and its association with socio-demographic

- variables: A cross-sectional study. *Clinical Epidemiology and Global Health*, 9, 191-195. DOI: [10.1016/j.cegh.2020.08.009](https://doi.org/10.1016/j.cegh.2020.08.009)
- Spence, S. H. De Young, A. Toon, C & Bond, S. (2002). *The Children's Anxiety Scale for Functional Assessment (CASAFS): A scale for measuring anxiety in children and adolescents*. Australian Academic Press.
- Stevens, J. P. (2012). *Applied multivariate statistics for the social sciences (5th ed.)*. Routledge. DOI: [10.4137/9780203843130/104324](https://doi.org/10.4137/9780203843130/104324)
- Yang, Y. Li, S. Xie, F & Chen, X. (2024). The Association Between Parent-Child Attachment and Academic Adjustment: A Multilevel Meta-Analysis. *Educational Psychology Review*, 36(3), 85. DOI: [10.1007/s10648-024-09928-0](https://doi.org/10.1007/s10648-024-09928-0)
- Yin, H. Qian, S. Huang, F. Zeng, H. Zhang, C. J., & Ming, W. K. (2021). Parent-child attachment and social adaptation behavior in Chinese college students: the mediating role of school bonding. *Frontiers in Psychology*, 12, 711669. DOI: [10.3389/fpsyg.2021.711669](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.711669)
- Zhang, Y. Yang, X. Liu, D & Wang, Z. (2020). Chinese college students' parental attachment, peer attachment, and prosocial behaviors: The moderating role of respiratory sinus arrhythmia. *Biological Psychology*, 150, 107844. DOI: [10.1016/j.biopsycho.2019.107844](https://doi.org/10.1016/j.biopsycho.2019.107844)